



# انترناسیونال

## ۸۱

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۱۲ فروردین ۱۳۸۴، ۱ آوریل ۲۰۰۵

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

انقلاب آتی ایران یک انقلاب زنانه است!

سخنرانی آذر ماجدی در تورنتو

صفحه ۳

فوتبال و جمهوری اسلامی!

پزشک زهرا کاظمی شهادت میدهد!

صفحه ۴

کاظم نیکخواه

در حاشیه رویدادها



## دعوا بر سر حداقل دستمزد حاد است!

خواست ۴۵۰ هزار تومان یک خواست وسیع و اجتماعی

شهلا دانشفر

حداقل دستمزدها به میزان ۱۲۲۰۰۰ تومان هم اکنون به موجی از اعتراض در میان کارگران دامن زده است. کارگران میگویند که دستمزد کمتر از یک میلیون پاسخ زندگی ما را

صفحه ۲

میتواند ماهیانه ۴ بار به حمام رود. این تصمیم بیشرمانه و جنایتکارانه رژیم، فقر و فلاکت بیشتری را به کارگران و میلیونها خانواده کارگری تحمیل میکند. سطح نازل دستمزدها و تعیین

گفته مقامات و دست اندرکاران خانه کارگر و شوراهای اسلامی، با ۱۲۲۰۰۰ تومان در ماه امروز تنها میتوان روزانه ۴ عدد نان و یک گرم پنیر و یک گرم سبزی خرید. در بهترین حالت اگر قیمت ها ثابت بماند کارگر

حداقل دستمزد کارگران برای سال ۸۴ از سوی شورای عالی کار جمهوری اسلامی ۱۲۲۰۰۰ تومان تعیین شد. این در حالیست که خط فقر اعلام شده از سوی جمهوری اسلامی ۳۰۰۰۰۰ تومان است و بنا به



ستون اول

محسن ابراهیمی

## حداقل دستمزد: ۴۵۰ هزار تومان

اضطراب نمایندگان سرمایه و حکومتش آغاز شده است!

سال ۸۴ با تعرض سرمایه داران و حکومت اسلامی به معیشت کارگران و با تعرض متقابل کارگران آغاز شد. شورای عالی کار اعلام کرد حداقل دستمزد ۱۲۲ هزار تومان خواهد بود. کارگران یک حرکت اعتراضی آغاز کرده اند که حداقل دستمزد در قدم اول باید ۴۵۰ هزار تومان باشد. این طلوع یک نبرد طبقاتی وسیع میان سرمایه داران و حکومتش از یکطرف و کارگران از طرف دیگر در سال ۸۴ است. شکست و پیروزی در این نبرد هم برای سرمایه داران و حکومت اسلامی و هم برای کارگران بسیار مهم است. پیروزی در این مبارزه کارگران را هم از لحاظ اقتصادی و هم از لحاظ سیاسی در موقعیت کاملا متفاوتی قرار خواهد داد. میتوان و باید ۴۵۰ هزار تومان را به حکومت اسلامی تحمیل کرد و راه را برای پیشرویهایی بعدی طبقه کارگر باز کرد. خط فقر اعلام شده توسط نهادهای

صفحه ۳

## ۱۲ فروردین ۵۸ "روز" رفراندوم جمهوری اسلامی"

محمد شکوهی



در اولین روزهای هفته اول فروردین سال ۵۸ جریان اسلامی به رهبری خمینی "فرمان رفراندوم و همه پرسی" برای تعیین شکل حکومت آتی را صادر کرد. خمینی در پیام معروف خود

صفحه ۲

## انقلاب مخملی در قرقیزستان انقلاب اجتماعی در ایران!

جلیل بهروزی



بدنبال اعتراضات نه چندان گسترده، در آغاز با تظاهرات ۵۰۰ نفره در جنوب این کشور، حکومت عسکر آقایف، دولتی که خود در مقایسه با حکومت سابق شوری معروف به رفرمیسم

صفحه ۴

## ضمیمه ۸۱، امروز جمعه منتشر میشود دوران پسا جنگ سرد و پولاریزاسیون طبقاتی در ایران

بررسی انقلاب و ضدانقلاب در ایران بر متن شرایط جهانی

مقاله ای به قلم حمید تقوایی

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ **دعوا بر سر حداقل دستمزد ...**

نمیدهد، کارگران در مبارزه خود امروز دستمزد خود را نه با خط فقر بلکه با کارفرمایان و مدیران میسنجند و حق خود را مطالبه میکنند. کارگران اعلام کرده اند که امروز به دستمزد کمتر از ۴۵۰۰۰۰ تومان رضایت نخواهند داد و دستمزد کمتر از آن باید ممنوع اعلام شود. بر سر این خواست طوماری اعتراضی به راه افتاده است و تا هم اکنون بیش از ۳۰۰۰ کارگر در کاشان با گذاشتن امضاء خود بر زیر این طومار به این حرکت اعتراضی پیوسته اند و امضاهای بسیاری در تهران و کرمانشاه و دماوند و کرج و شهرهای دیگر در حمایت از این خواست جمع شده است و این حرکت اعتراضی همچنان جریان دارد. این یک حرکت اعتراضی رادیکال و مهمی است که هم اکنون شروع شده است و میروید به یک جنبش اجتماعی بزرگ تبدیل شود. ابعاد این اعتراضات آنچنان گسترده است که انعکاس آن را در اظهار نظرهای جوراجور خانه کارگر و شوراها و اسلامی و هشدار آنان به گسترش اعتراضات کارگری و طرح جلسه فوق العاده برای شورای عالی کار بر سر تعیین حداقل دستمزد میتوان دید. این عالیجنابان بنا به سیاست همیشگی و نقش سنتی و جاافتاده خود دوباره به تکاپو افتاده اند، هشدار میدهند، در دعوای داخلی خود با رژیم نرخ تعیین میکنند، برای وزیر کار خط و نشان میکشند و با های و جنجال بر سر اینکه این دستمزد کفاف زندگی کارگر را نمیکند، میکوشند دعوا را به توافق سال گذشته خود با دولت بر سر میزان ۲۰۷ هزار تومان دستمزد و تحقق آن در یک برنامه ۴ ساله محدود نگاهدارند. لب کلام این آقایان، اجرای توافق سال گذشته و تعیین دستمزد ۱۴۴۰۰۰ تومان برای سال ۸۴ است. با فشار اعتراضات کارگران محبوب رقم ۲۰۰ هزار تومان را به میان کشیده است.

### جنبش اعتراضی حول خواست ۴۵۰۰۰۰ تومان یک جنبش اجتماعی مهم

در شرایطی که فقر در جامعه بیداد میکند و بنا به آمار ۸۰ درصد مردم در ایران زیر خط فقر زندگی میکنند، در شرایطی که خواست افزایش حقوق و دستمزدها خواست بخش های وسیع جامعه است، و در شرایطی که ما شاهد اعتراض و مبارزه هر روزه در میان کارگران، معلمان، پرستاران و بخش های مختلف جامعه بر سر خواست افزایش دستمزدها و حقوق ها هستیم، جنبش اعتراضی کنونی با خواست ۴۵۰۰۰۰ تومان در قدم اول میتواند جنبش اعتراضی وسیع و فراگیری باشد که همه این بخش ها را زیر چتر واحدی متحد کند و به نیروی بزرگ و قدرتمند تبدیل شود. ۴۵۰۰۰۰ تومان دستمزد باید حتی شامل آن ۱۰ میلیون نیروی کار جوانی باشد که امروز بیکارند و باید بعنوان حق بیمه بیکاری به همه کارگران بیکار پرداخت شود. خواست حداقل ۴۵۰۰۰۰ تومان دستمزد باید همه کارگران و همه حقوق بگیران در جامعه را در بر گیرد. فرا

از صفحه ۱ **گیر بودن این مطالبه در جامعه امروز به مبارزه بر سر خواست افزایش دستمزد آنچنان ابعاد اجتماعی ای داده است که میتواند به صف اعتراضی قدرتمندی شکل دهد. صف قدرتمندی که با اتحاد بزرگ و سراسری خود امروز میتواند، نه تنها خواست افزایش دستمزدها را به کرسی بنشاند بلکه سکوی پرشی باشد که کلیت این رژیم و این نظام را به جدال بکشاند. باید با تمام قوا به این جنبش پیوست. باید با گذاشتن امضای خود بر زیر طومار اعتراضی کارگران با خواست ۴۵۰۰۰۰ تومان به این جنبش اعتراضی پیوست. رهبران و فعالین کمونیست در جنبش اعتراضی کارگری و دیگر جنبش های اعتراضی موجود در جامعه، امروز نقش مهمی در متحد کردن یک جنبش اجتماعی قوی حول خواست افزایش دستمزدها و در قدم اول برای خواست ۴۵۰۰۰۰ تومان دارند. باید این مساله امروز به موضوع مهم بحث در مجامع عمومی کارگری و در اجتماعات معلمان، پرستاران و همه بخش های مختلف جامعه تبدیل شود. باید انتظار این را داشت که میلیونها امضا و حمایت از سوی کارگران و خانواده های ایشان و از سوی بخش های مختلف جامعه از این حرکت و اعتراض جمع شود و شکل گیرد.**

خواست ۴۵۰۰۰۰ تومان در قدم اول، باید یک بند مهم قطعنامه های کارگران در اعتراضات و در اول ماه مه امسال باشد. باید امروز ما شاهد برپایی وسیعترین تجمعات و گردهمایی ها حول این خواست باشیم. باید همین امروز امضاهایی که حول این خواست جمع شده است به دولت و نهادهای بین المللی کارگری ارسال شود و صدای این اعتراض هر چه وسیعتر در سطح جامعه و در روزنامه و رسانه های مختلف انعکاس یابد. صدای اعتراض این جنبش و پیشرویهایش از طریق رادیو و تلوویزیون انترناسیونال در سطح جامعه و بین المللی منعکس شود و با چنین حرکت متحد و قدرتمندی، دولت را وادار کنیم که تصمیم جنایتکارانه خود را پس بگیرد و به خواست کارگران گردن بگذارد. زنده باد اتحاد کارگری، زنده باد ۴۵۰۰۰۰ تومان در قدم اول. \*

از صفحه ۱ **۱۲ فروردین ...**

مخالفت با دولت تازه اخراج می شوند. در ۲۸ مرداد سال ۱۳۵۹ خمینی فرمان جهاد بر علیه مردم کردستان را صادر می کند. از اواسط سال ۱۳۵۹ تعرضات ضد انقلاب اسلامی شدت و حدت بیشتری به خود می گیرد. تعرضات حزب الله با شعار "یا رو سری، یا تو سری" به زنان سازمان داده می شود. بنی صدر در مقام فرمانده کل قوای رژیم در پاسخ به خواست کارگران نفت که خواهان حضور در شورای انقلاب و به رسمیت شناختن تشکل های کارگری می باشند، عریده کشی کرده و می گوید: "شورا پورا مالیده." در باره مبارزه مردم کردستان می گوید: "سربازان تا تسخیر کردستان و سرکوب ضدانقلاب نباید بند پوتین هایشان را باز کنند." خمینی اعتصاب را حرام اعلام کرده و دولت موقت بازگان فرمان بازگشت به کار کارگران اعتصابی را صادر می نماید. حملات باندهای تروریست اسلامی به احزاب و سازمانهای سیاسی مخالف و بویژه چپ و سوسیالیست شروع می شود. با شروع جنگ در شهریور سال ۱۳۵۹، حملات جریان اسلامی برای سرکوبی انقلاب به اوج خود می رسد. خمینی آن زمان گفت: این جنگ یک نعمت الهی است." تبلیغات هیستریک و ضد کمونیستی آمیخته به ناسیونالیسم و میهن پرستی اسلامی اوج می گیرد. فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی ممنوع می شود. و یک سال بعد، ۳۰ خرداد نقطه اوج تهاجم به مردم و تعیین تکلیف نهایی با انقلاب مردم میباشد. هزاران کمونیست، سوسیالیست، فعال کارگری و زنان، آزادیخواهان و هر کسی که مخالفتی با جمهوری اسلامی داشت، دستگیر و زندانی و در محاکمات ۵ دقیقه ای به اعدام محکوم می شوند. ۳۰ خرداد ۶۰ آغاز پروسه تثبیت حکومت اسلامی می باشد. جمهوری اسلامی برآمده از فراندوم ۱۲ فروردین ۵۸ توانست با اتکا به سرکوب و اعدام، زندان و شکنجه از ۳۰ خرداد ۶۰ به بعد پایه های حکومت دیکتاتوری و وحشت اسلامی اش را بر گرده مردم

از صفحه ۱

## ستون اول

حکومت اسلامی ۳۰۰ هزار تومان در ماه است. و این تازه استاندارد حکومت اسلامی است که ذره ای به رفاه و معیشت کارگر ارزش قائل نیست و در طول ۲۶ سال حکومتش کارگران را به فقر مطلق کشانده است. ۱۲۲ هزار تومان دستمزد، تازه اگر سر ماه به کارگران پرداخت شود، معنایش اینست که کارگران ایران رسماً و علناً به بی‌داری، بی‌مسکنی، سوء تغذیه و حتی گرسنگی محکوم شده‌اند. یعنی محکوم کردن کارگران به تباهی و مرگ فیزیکی و معنوی تدریجی. یعنی گسترش وسیعتر اعتیاد، تن‌فروشی، کلیه فروشی. این یک جنایت علنی علیه اکثریت عظیم جامعه است و کارگران چاره‌ای جز مبارزه علیه این جنایت علنی حکومت اسلامی ندارند.

پایین نگه داشتن حد اقل دستمزد، برای سرمایه‌داران علاوه بر جنبه اقتصادی یعنی افزایش سودآوری سرمایه، یک معنای سیاسی هم دارد که اهمیتش کمتر از جنبه اقتصادی نیست. سطح معیشت کارگران را تا می‌توانند پایین نگه‌دارند تا توان مبارزه طبقه کارگر را کاهش دهند. تا فکر معیشت اجازه ندهد کارگران به فکر سیاست باشند. تا نگرانی گرسنه ماندن خود و خانواده‌اشان اصلاً فکر مبارزه را از سرشان بکنند. تا از نگرانی گرسنگی نتوانند اعتصاب کنند و در صورت اعتصاب نتوانند تا پیروزی ادامه دهند. از این نقطه نظر، پیروزی کارگران در مبارزه برای افزایش دستمزد، هم معیشت کارگر را ارتقا می‌دهد و هم طبقه کارگر را در موقعیت بسیار قدرتمندتری برای تحمیل مطالبات برحقوقشان قرار می‌دهد.

## اضطراب در میان نمایندگان سرمایه

این جنبه سیاسی است که حکومت اسلامی و نهادهایش را به اضطراب انداخته است. خانه کارگر - همان لانه کارفرمایان و دولت اسلامیشان در میان کارگران - از همین الان به تب و تاب افتاده است. سران این نهاد ضدکارگری تلاش گسترده‌ای را شروع کرده‌اند که اولاً توقع کارگران از حداقل دستمزد را تا می‌توانند

تفاوت فاحش میان حقوق زیر خط فقر برای اکثریت عظیم کارکن جامعه و حقوقهای چند میلیون تومانی برای اقلیتی که شغلشان تصویب و اجرای قوانین برای سنگسار و اعدام و قطع دست و سرکوب اعتصاب و اعتراضات اجتماعی است که خشم کارگران را برانگیخته است.

ثالثاً، خانه کارگر به عنوان یک نهاد دولت ساخته ضد کارگری، نهادی که جایش همیشه در صف اول بیحقوق کردن کارگران بوده است قطعاً از نظر کارگران در صف دشمنان کارگران قرار دارد. "خانه کارگر" جزو مهمی از همان نظامی است که کارش به تباهی کشاندن نسل عظیمی از کارگران است. با این حساب، "خانه کارگر" نه تنها نمیتواند در "صف اول اعتراض به این ناعدالتیها" قرار گیرد بلکه خودش شریک جرم است و کارگران در مبارزه‌شان برای حداقل دستمزد ۴۵۰ هزار تومان باید صف همین "خانه کارگر" را هم شکست دهند.

## رویا یا واقعیت؟

آیا ۴۵۰ هزار تومان حد اقل دستمزد دست یافتنی است؟ آیا سرمایه‌داران و حکومت اسلامیشان به آن تن خواهند داد؟ سرمایه‌داران و حکومت اسلامیشان هیچ چیزی را که به رفاه و آسایش کارگر مربوط است داوطلبانه به کارگران نمیدهند. ۴۵۰ هزار تومان دستمزد را باید از حلقوم جمهوری اسلامی بیرون کشید. جمهوری اسلامی عقب نشینی نمی‌کند مگر اینکه این عقب نشینی را به آن تحمیل کرد. و برای تحمیل آن کارگران باید متحد و متشکل و وسیع به میدان بیایند. همین یک دو سال اخیر نمونه‌های زنده‌ای از به عقب راندن جمهوری اسلامی توسط مبارزه متحد را به نمایش گذاشته است. چند مثال:

- حکومت اسلامی زمانی که زورش میرسد هر اعتصاب کارگری را با اوباش اسلامی اش در هم میکوبید. قطعاً حکومت اسلامی امروز هم نمی‌خواهد حتی اعتصاب یک کارگر برای یک روز را تحمل کند. اما زیر تسلط همین حکومتی که اعتصاب را حرام اعلام کرده است، کارگران نساجی سنندج توانستند اعتصاب پیروزی را

از صفحه ۲

## ۱۲ فروردین ...

تحمیل نماید. تاریخ شکل‌گیری و عروج جریان اسلامی به قدرت، تاریخ سرکوب، نسل‌کشی و کشتار بیش از صد هزار انسان می‌باشد. امروز بعد از گذشت بیش از دو دهه از شکل‌گیری جمهوری اسلامی بخش‌هایی از حکومت "اصلاح طلب" شده و شعار "جامعه مدنی و دموکراسی" را می‌دهند. چهره‌ها و عناصری چون حجاریان، گنجی، سازگارا، خاتمی، سروش، بهزاد نبوی، در معیت جریان‌های ملی-مذهبی که جمهوری اسلامی را ساخته و به جان مردم و انقلابشان انداختند، می‌خواهند نظامشان را اصلاح و از این طریق نجات دهند. اگر حافظه تاریخی این حضرات همه این جنایات را بی‌شرمانه به حساب اعمال و کردار دوران هرج و مرج و

**انقلاب آتی ایران یک انقلاب زنانه است!**

**سخنران: آذر ماجدی**

**رئیس دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری**

**رئیس سازمان آزادی زن**

**زمان: شنبه ۹ آوریل ساعت ۶ عصر**

**مکان: اوریل کامیونیتی سنتر**

**29 75 Don mills Rd**

**حزب کمونیست کارگری ایران - شرق کانادا**

سازمان دهند و حتی حقوق ایام اعتصابشان را از حلقوم نظام اسلامی بیرون کشیدند. - زمانی جمهوری اسلامی - براحتی میتوانست کارگرانی را که جرئت کرده‌اند اول می‌را جشن بگیرند زندانی و شکنجه و حتی اعدام کند. اما همین جمهوری اسلامی مجبور شد کارگران دستگیر شده در سقز در اول می‌را آزاد کند. مجبور شد آزاد کند چون یک مبارزه جهانی برای آزادی این کارگران راه افتاد. - همان حکومتی که زمانی لیست اعدام شده‌ها را با افتخار در روزنامه‌هایش اعلام میکرد و سنگسارش را با دبدبه و کبکه اعلام میکرد مجبور شد در همین سال گذشته و البته به همت یک کمپین جهانی به آزادی افسانه نوروزی و لغو سنگسار حاجیه اسماعیلوند تن و وسیع و قدرتمند. \*

## در حاشیه رویدادها

کاظم نیکخواه



### فوتبال و جمهوری اسلامی

در ایران فوتبال هم مثل همه چیزهای دیگر سیاسی است. و چرا که نباشد؟ اگر عروسی و لباس و غذا و عشق و لذت و همه چیز موضوع سیاست است و عرصه جدال جوانان و مردم با حکومت اسلامیست، چرا فوتبال نباشد؟ حکومتی که نماینده تاجر و عقب ماندگی تمام عیار است و در همه چیز و همه جنبه های زندگی مردم دخالت میکند عاقبتش همین است. میتوان با آواز و رقص، با غذا و روزه خوری، با شادی با ورزش با نوروز و چهارشنبه سوری و فوتبال و همه چیز به جنگش رفت. این مشکل جدی امروز حکومت اسلامیست. این روزها حال و روز ماموران و مزدوران این حکومت را در دریای نفرت مردمی که هیچ چیز این حکومت را تحمل نمیکنند میتوان بخوبی احساس کرد.

پس از مسابقه تیم های ایران و ژاپن، همانگونه که انتظار میرفت در شهرهای تهران و اصفهان و شیراز و تبریز و بسیاری شهرهای دیگر جوانان بیرون ریختند و علیه حکومت شعار دادند. گزارشهای رسمی گویای اینست که در این تظاهرات و تجمعات و درگیریها شعارهای زنده باد آزادی، مرگ بر طالبان و شعارهایی ازین قبیل به وفور داده میشود. روزنامه هرالد تریبون بعلاوه از شعار "مرگ بر آپارتاید جنسی" در شیراز گزارش میدهد. و گزارشهای متعدد دیگری نیز از درگیری گسترده جوانان و نیروهای رژیم در شهرهای مختلف خبر میدهند.

در مسابقات فوتبال هفته گذشته تیم ایران دو برد در برابر ژاپن و کره شمالی داشت اما برای جمهوری اسلامی برد و باخت تیم ایران فرقی نمیکند. در هر دو صورت جمهوری اسلامی بازنده است. زیرا هم برد و هم باخت امکان تجمع جوانان و

مردم را فراهم میکند و هر جا که مردم جمع شوند جمهوری اسلامی از شعارهای جانانه ای علیه حکومت و سرانش بی نصیب نمیماند. این روندی است که تا زمانی که این حکومت سرباست ادامه خواهد یافت و هر بار از بار قبل گسترده تر و "خطرناک تر خواهد بود.

یک رویداد تاسف بار پس از مسابقه تیم ایران و ژاپن این بود که شش نفر از جوانان کشته شدند. مقامات ایران میگویند این شش نفر بر اثر ازدحام جمعیت در زیر دست و پا مانده بودند. اما اولاً خود ازدحام بنا به گزارشها با بستن یک سری درهای خروجی توسط نیروهای انتظامی، ایجاد شده بود، بعلاوه گزارشها و گفته های برخی شاهدان عینی و از جمله پدر یکی از قربانیان حاکی از اینست که برخی از این قربانیان با ضربات باتوم و سلاح نیروهای حکومتی به قتل رسیده اند. این جنایت نیز بر کارنامه جنایات این حکومت افزوده شد. باید به خانواده قربانیان سرزد، از آنان دلجویی کرد و برای محاکمه مسببین این جنایت به هر شکل ممکن تلاش کرد.

### پزشک زهرا کاظمی شهادت میدهد!

پزشکی که زهرا کاظمی را در بیمارستان "بقیه الله" در آخرین لحظات حیاتش معاینه کرده اکنون به عنوان پناهنده سیاسی به کشور کانادا پناهنده شده و در مصاحبه ای با روزنامه "دی زایت" جزئیاتی را از وضعیت بدن شکنجه شده زهرا کاظمی خبرنگاری که دو سال پیش توسط مقامات حکومت به قتل رسید افشا کرده است. او که "شهرام اعظم" نام دارد، با خانواده خود از ایران خارج شده است. در قسمتی از گزارش این روزنامه چنین آمده است: "در سرگاه روز ششم تیرماه ۱۳۸۲ این عکاس و خبرنگار را در حالیکه

بیهوش و شدیداً مجروح بود به بیمارستان "بقیه الله" در تهران منتقل کردند. وی (شهرام اعظم) که شخصاً زهرا کاظمی را معاینه کرده بود گفت آثار برجای مانده در سراسر بدن وی نشان از شکنجه داشت. این پزشک همچنین در معاینات خود تشخیص داد که زهرا کاظمی مورد تجاوز جنسی قرار گرفته بود. او گفت به این دلیل از ایران خارج شده که حقایق را در مورد زهرا کاظمی به جهانیان بگوید

زهرا کاظمی روز دوم تیرماه ۱۳۸۲ به عنوان خبرنگار و عکاس به طور قانونی به ایران سفر کرد تا از جریان تظاهرات دهها هزار نفره دانشجویان گزارش تهیه کند. او را هنگامی که از تحصن خانواده های دانشجویان دستگیر شده در برابر زندان اوین عکس می گرفت دستگیر کردند و پس از سه چهار روز بدن لت و پار شده او را به بیمارستان بردند و بنا به گزارش روز ۲۰ تیرماه زهرا کاظمی از شدت شکنجه ها درگذشت.

قتل زهرا کاظمی یک بار دیگر ظرفیت عظیم جنایت و وحشی گری حکومت اسلامی را پیش چشم جهانیان گذاشت. او یک تبعه کانادا و ایران بود. خبرنگار بود. سابقه فعالیت علیه حکومت اسلامی نداشت. به طور قانونی بارها برای دیدن خانواده خود به ایران سفر کرده بود. با وجود این جلادان توحش اسلامی در عرض سه روز او را با شکنجه و تجاوز لت و پار کردند و جهان با شنیدن خبر این وحشی گری شوکه شد. هرکس که ذره ای تردید در درنده خویی بی پایان و بی نظیر این حکومت داشت پی برد که این دستگاه جنایت در عرض بیست و پنج سال چه بلایی به سر مردم آورده است.

جمهوری اسلامی ماشین جنایت و توحش است و سران و کارگزارانش باید در دادگاههای مردمی محاکمه شوند. در این دادگاهها پرونده جنایات حکومت را خواهیم گشود. شاهدان بسیاری علیه حکومت شهادت خواهند داد. و جهان به ابعاد دیگری از درنده خویی باورنکردنی این دیکتاتوری اسلامی سرمایه داران پی خواهد برد. آن روز دور نیست. \*

### از صفحه ۱

بیهوش و شدیداً مجروح بود، در مدت بسیار کوتاهی، کمتر از یک هفته، در روز پنج شنبه ۲۴ مارس سقوط کرد.

ظاهراً اعتراضات به تقلب انتخاباتی مجلس در ماه فوریه آغاز شد و سرعت به بیشکک، پایتخت کشور پنج میلیونی قرقیزستان که در سال ۱۹۹۰ از شوروی سابق مستقل شد، سرایت کرد. بنحوی که کاخ ریاست جمهوری و مرکز دولت با کمترین مقاومت سریعاً به تسخیر تظاهر کنندگان در آمد و آقای پس از ۱۵ سال حکومت به فرار از کشور مجبور شد.

سقوط حکومت قرقیزستان سومین "انقلاب مخملی" از نوع خود در کشورهای اقمار شوروی سابق است. انقلابی که ظاهراً در ادامه اعتراضات خیابانی و بدون درگیریهای کثدار و خونین صورت گرفت. اولی در گرجستان حدوداً ۱۸ ماه پیش (۲۰۰۳) معروف به "انقلاب گل رز" که منجر به روی کار آمدن میخایل ساکاشویلی شد و دومی در اوکراین، سال پیش، تحت عنوان انقلاب نارنجی که ویکتور یوشچنکو را به روی کار آورد و این آخری، معروف به انقلاب گل لاله، در قرقیزستان که هنوز مهره هایی که به روی کار آمدند تشبیت نشده اند. در همه موارد فوق آنچه که در اساس اتفاق افتاده چیزی جز جابجایی قدرت از حاکمیت بعضاً متمایل به روسیه و بعضاً متمایل به سیستم قدیم شوروی به غرب، دمکراسی غربی و اقتصاد بازار نبوده است.

آنان که فی الحال در قرقیزستان بعنوان رئیس جمهور، نخست وزیر و رئیس نیروهای انتظامی موقت به روی کار آمدند و به مردم حکم رفتن به خانه ها را داده اند و به گفته ای حتی حکومت نظامی به راه انداخته اند، خود تا دیروز بطور فرمال نیز جزئی از حکومت سابق بودند. گمارده شدن ایشنبای قدیربکف نماینده سابق مجلس، وزیر عمران و قانونگذار، قورمان بیک باقی یف فلیکس قزلف، معاون سابق رئیس جمهور، وزیر داخله و شهردار سابق پایتخت کشور توسط مجلس اعلا، نمونه بارزی از این جابجایی درون حکومتی است.

اپوزسیون اعلی حضرتی که ظاهراً قدرت را در فردای این چنین "انقلاباتی" بدست میگیرد، اساساً

### انقلاب مخملی ...

هیچ پلانترم متمایزی با حکومتهای به زیر کشیده شده، که ظاهراً مهم ترین جرمشان از نظر این اپوزیسیون، فساد و تقلب انتخاباتی است، ندارند، جز آن که درهای اقتصاد نیمه دولتی خویش را طاق باز بروی غرب بگشایند و توحش اقتصادی سرمایه داری را بی عنان کنند. هیچ یک حتی کاهش فقر دیرینه کارگر و توده میلیونی کارکن جامعه را مد نظر ندارند و نه حتی درجه ای از تسهیل امر دخالت مردم در سرنوشت خویش را.

آنچه که غرب و میدیای نوکر صفت آن میکوشند تحولاتی از این دست که بر بستر اعتراضات توده ای، جابجایی قدرت از یک بخش از حکومت به بخش دیگر آن صورت میگیرد را به انقلاب منسوب کنند و حافظان سابق حکومتهای به زیر کشیده شده را قهرمانان آزادی و مردم بخوانند، هدفی جز سرپوش گذاشتن به تمایل عمیق و خواست توده های میلیونی به تغییر بنیادی شرایط غیر انسانی موجود، یعنی انقلاب اجتماعی نیست. بیراهه رفتن اعتراضات وسیع مردم بخاطر عدم حضور یک حزب انقلابی، کارگری و رهایی بخش کمونیست و بروی کار آمدن نیرویی که خود تا دیروز یک پای ثابت حکومتهای برانداخته شده بودند را با نام انقلاب عرضه کردن، هر چند که تلویحاً پذیرش شیخ انقلاب در جهان است ولی در اساس چیز جز خاک پاشیدن به چشم جهانیان نیست.

کارگران، زنان، جوانان و همه محرومان و ستم کشیدگان تحت حاکمیت رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی همه این تحولات از افغانستان و عراق گرفته، تا کشورهای حیاط خلوت شوروی سابق را با دقت کامل نظارت میکنند و تجربه میاموزند. از تجربه صدور دموکراسیهای خونین توسط آمریکا و روی کار آمدن حکومتهای قومی و مذهبی در کشورهای همسایه شرقی و غربی گرفته تا جابجایی قدرت در بالا بر بستر اعتراضات توده ای در همسایه های شمالی، یک حکم بیش از هر زمانی در مبارزه گسترده علیه رژیم اسلامی برجسته میشود و آن رفتن به پیشواز انقلاب بعنوان تنها راه حل انسانی در پاسخ به شرایط حاضر در ایران میباشد. \*

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!